



Examining the Legitimacy of Cryptocurrencies from a Jurisprudential Perspective as a New Method of Contract Payment in Digital Relations

M. Babaei^{*1}, M.H. Zahedi², E. Farahani³

¹ Department of Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Department of Information Technology, K.N. Toosi University of Technology, Tehran, Iran

³ Department of Computer Engineering, Sharif University of Technology, Tehran, Iran

ABSTRACT

Received: 2 March 2022

Accepted: 27 May 2022

KEYWORDS:

Cryptocurrency,
Government Jurisprudence,
Individual Jurisprudence,
System Maintenance,
Currency Code,
Virtual Currency,
Digital Currency,
Bitcoins

¹ Corresponding author
✉ mbabaeii54@gmail.com

Background and Objectives: The cryptocurrencies are the fruits of the development of information technology, which have brought benefits such as the development and lowering of international currency exchanges, but also has challenges such as money laundering, tax evasion and violation of economic and financial order of countries. From the point of view of individual jurisprudence, the cryptocurrencies are a kind of property, their transactions are not usury and arrogance, and therefore, if the transaction basis of the cryptocurrencies is correct from the religious point of view, its exchange is permissible, but if the transaction basis of the cryptocurrencies is not legitimate, they are false and forbidden.

Methods: In this research, which is of descriptive-analytical type; Most government jurisprudential documents on the trading of digital currencies have been examined.

Findings: The present study has led the result to the point that by citing arguments such as the rule of no harm, the rule of respect and the rule of maintaining order and the rule of action and the rule of justice, there is room for a fundamental review of the provisions of the cryptocurrency for legitimacy. There is a regular part of its existence from a jurisprudential point of view, because with the permission to use this capacity, which is also conditional and defined, it will be possible to enjoy this possibility.

Conclusion: It is advisable not to use cryptocurrencies for the contractual payment method until a formal and defined legal order is formally established by the government to control the cryptocurrency in the country's economy and a certain regulation is made in this regard. At the same time, we need to accelerate the regulation of sovereignty in the field of cryptocurrencies in all dimensions, especially in the field of jurisprudence, because one of the ways to circumvent the oppressive international sanctions against our country is this method that prevents isolation.



NUMBER OF REFERENCES

44



NUMBER OF FIGURES

0



NUMBER OF TABLES

0

بررسی جواز مشروعیت رمزارزها از منظر فقهی بعنوان یک شیوه نوین پرداخت قراردادی در مناسبات دیجیتالی

مهدی بابائی^{۱*}، محمدهادی زاهدی^۲، الهام فراهانی^۳

^۱ گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، تهران، ایران

^۲ گروه فناوری اطلاعات، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران

^۳ دانشکده مهندسی کامپیوتر، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: رمز ارزها، از ثمرات توسعه فناوری اطلاعات می باشند که منافعی همچون توسعه و ارزانتر شدن مبادلات ارزی بین المللی را با خود به آرمغان آورده اند ولی در مقابل چالشهایی را نیز همچون پولشویی، فرار مالیاتی و نقض نظم اقتصادی و مالی کشورها را با خود به همراه داشته اند. از منظر فقه فردی، رمز ارزها یک نوع مال بوده، معاملات آنها ربوی و غرری نیست و بنابراین در صورتی که مبنای معاملاتی رمز ارزها از منظر شرعی صحیح باشد، مبادله آن مباح است اما در صورتی که مبنای معاملاتی رمز ارزها مشروعیت نداشته باشد، معامله آنها باطل و حرام است.

روش ها: در این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ اکثر اسناد فقهی دولتی در مورد تجارت ارزهای دیجیتال مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها: تحقیق حاضر، نتیجه حاصله را به این سمت و سو منتهی نموده است که با استناد به آله ای همچون قاعده لا ضرر، قاعده احترام و قاعده حفظ نظام و قاعده اقدام و قاعده عدالت، جا برای بازبینی مبنائی، در احکام مربوط به رمزارز، برای مشروعیت بخشی قاعده مند به موجودیت آن از منظر فقهی وجود دارد چون با جواز بکارگیری این ظرفیت، آن هم بصورت مشروط و تعریف شده، برخورداری از این امکان بوجود خواهد آمد.

نتیجه گیری: بنظر صلاح براین باشد که تا زمانی که از طرف حاکمیت، نظم حقوقی مشخص و تعریف شده ای بصورت رسمی برای کنترل رمز ارزها در اقتصاد کشور ترتیب داده نشده و قاعده گذاری معینی در این زمینه صورت نگرفته، از رمزارزها برای شیوه پرداخت قراردادی فعلاً استفاده نشود. در عین حال نیاز به تسریع درقاعده گذاری حاکمیت در حوزه رمزارزها در همه ابعاد بویژه درعرصه فقهی آن داریم چون یکی از شیوه های دور زدن تحریمهای ظالمانه بین المللی علیه کشورمان همین روش است که باعث جلوگیری از انزوا می باشد.

واژگان کلیدی:

رمز ارز،

فقه حکومتی،

فقه فردی،

حفظ نظام،

رمز ارز،

ارز مجازی،

ارز دیجیتال،

بیت کوین

^۱نویسنده مسئول

mbabaeii54@gmail.com 

کالای دیگر، غالباً با قابلیت استخراج، دارای ارزش، قابل تبدیل به دیگر رمز ارزها، پول‌های فیزیکی و کالا و با امکان ذخیره برای ارزش، مورد واحد شماری واقع می‌شوند [۱،۲].

ورود به موضوع پیش رو، بمنظور بررسی مشروعیت فقهی استخراج، استفاده و ذخیره رمز ارزهاست. در این راستا تا حد امکان، به‌دور از بیان صرف توضیحات علمی راجع به نحوه کار نرم‌افزارهای به‌کاررفته شده در این ارزها خواهیم بود و فقط بدنبال معرفی ساختار پلتفرمهای آن نیستیم. بر این اساس، آنچه در توضیح فناوریهای موجود در رمز ارزها می‌آید تنها برای آشنائی با روش تولید این گونه از ارزها و نیز چگونگی جابجائی و مبادله آنهاست. مدنظر باشد که با توجه به تنوع رمز ارزها، تحقیق حاضر، عمدتاً بر «بیت کوین» تمرکز می‌کند. «بیت کوین» نرم‌افزاری منبع باز [۱،۲] و شبکه تولید و مبادله رمز ارز است.

ارز این شبکه نیز «بیت کوین» نام دارد. فرایند تولید این ارز به‌دنبال مبادلات آن صورت می‌گیرد. برای مثال، دو نفر را در نظر بگیرید که قصد مبادله ارز بیت کوین دارند. هر یک از این دو باید به کیف پول الکترونیکی با قابلیت ذخیره و مبادله بیت کوین در اختیار داشته باشند تا با اتصال به شبکه بیت کوین، کاربر آن محسوب شوند. با دانلود کیف پول، امکان دسترسی به دفتر کل توزیع شده فراهم است که در آن تمام اطلاعات تراکنش‌ها، ثبت و تراکنشهای جدید نیز در آن همواره مدام بروزسانی می‌شود. هر کیف پول یک کلید عمومی (Public key) و یک کلید خصوصی (Private key) دارد. تنها چیزی که از هویت کاربران در شبکه بیت کوین در معرض دید عموم قرار داده می‌شود، تعدادی اعداد و ارقام مربوط به کلید عمومی هر «نود» (Node) یا همان اعضای متصل به شبکه است. از این طریق، میزان موجودی هر کیف پول برای نت‌ها قابل تشخیص است. برای جابجائی بیت کوین از یک کیف پول به یک کیف پول دیگر، فروشنده با کلید خصوصی خود، یک پیام به شبکه می‌فرستد که برای مثال ۲ بیت کوین را به کلید عمومی خریدار انتقال می‌دهد. صدور این پیام از کلید خصوصی موجب نمایش کلید خصوصی نخواهد شد، بلکه طبق ساختار شبکه، پیام با کلید خصوصی ترکیب می‌شود و تنها یک امضای دیجیتالی پای این پیام به‌جا می‌ماند که بیانگر صحت

جهان در دهه‌های اخیر و بویژه در چند سال گذشته، عرصه تحولات چشمگیری بوده که بسیاری از مناسبات و معادلات پیشین را بطور اساسی دستخوش تغییر نموده است. امروزه فناوری و ارتباطات در زندگی روزمره، برای ادارات، سازمانها، اقشار و صنوف مختلف جامعه به یکی از مباحث اصلی و روزآمد تبدیل شده است. گسترش روزافزون نیازمندیها و سایه افکنی این فناوری بر تمام شئون زندگی بشر، مسائل و چالشهای گوناگون را بوجود آورده است. این تحولات که با محوریت کاربری و سیع از فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان پذیر شده، از کاربرد رایانه بعنوان ابزار خودکارسازی و افزایش بهره‌وری نشأت گرفته و آغاز گردیده و اکنون با تکامل کاربری آن در ایجاد فضای هم‌افزایی مشارکتی، عملاً زندگی فردی و اجتماعی بشری را دگرگون ساخته است. ورود به فضای مجازی حاصل از فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز دوره جدیدی از تمدن بشری را رقم زده، بنحوی که وقوع این انقلاب در عرصه جدید اطلاعات، شیوه اندیشه، تولید، مصرف، تجارت، مدیریت، بانکداری، اقتصاد، پول، جنگ و حتی دینداری و عشق‌ورزی را نیز دگرگون ساخته است. در این بین، آنچه که به نوبه خود، در حال خود نمائی است، پولهای مجازی یا همان رمز ارزهاست که به یکی از مهمترین مسائل بحث برانگیز حقوقی تبدیل شده است. پدیده مورد اشاره موصوف از جنبه‌های به یک مسأله برخورد از ابعاد امنیت ملی برای کشورها تبدیل شده که کشورها هم‌اکنون مستثنی نیست و در این راستا حتی بازداشت‌های معدودی در ایالات متحده در ارتباط با رمز ارزها صورت گرفته است. این امر اساساً به دلیل وجود مشکلاتی در ردیابی پرداخت رمز ارزها بوده است. بازداشت‌هایی که صورت گرفته است، تماماً به دلیل اتهامات مربوط به استفاده از رمز ارزها در دایره پولشویی بوده است.^۲ اگر بخواهیم شناخته شده ترین نمونه از رمز ارزها را نام ببریم، به بیت کوین می‌رسیم. ارزهای دیجیتال با مشخصه‌هایی همچون مبتنی بودن بر فناوری «بلاک چین» طراحی شده‌اند آن هم براساس کنترل غیرمتمرکز و بدون وابستگی به دولت و قدرت مرکزی، بدون هیچ‌گونه وجودی در خارج از بستر اینترنت در بیشتر حالات، بدون پشتوانه پول، طلا یا

^۱ از جمله در این راستا می‌توان به صحبت‌های وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اشاره نمود : « بنا به آمار غیر رسمی تبادلات بیت کوین‌ها در صرافی‌ها در جریان است و امروزه ۵۰ درصد از ارزش آن کاسته شده مردم چقدر ضرر کردند و چقدر ارز از کشور خارج شده است که لازم است به مردم اطلاع‌رسانی کافی صورت بگیرد.» برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به : <http://memmfa.ict.gov.ir/fa/newsagency/20784>

^۲ بر مبنای تقسیم‌بندی بومه (۲۰۱۵) (Bohme)، معاملات مالی غیر قانونی بیت کوین به سه دسته تقسیم می‌شوند: جرایم خاص بیت کوین، پولشویی و جرم تسهیل شده بیت کوین، جرایم خاص بین کوین، انواعی از جرایم هستند که نتیجه مستقیم حملات رایانه‌ای

با فناوریهای پیچیده هستند که هدف از آنها سرقت بیت کوین و تغییر ارزش مبادلاتی این ارزیابی مجاری می‌باشد. پولشویی به عنوان دسته دوم جرایم، بدین صورت است که بیت کوینی می‌توانند به دلایل روشن از جمله پولشویی استفاده شوند. جرایم تسهیل شده بیت کوین نیز بدین صورت است که بیت کوین، پرداخت هزینه ارائه خدمات کالاهای غیرقانونی که بر روی بازار آن که اصطلاحاً جاده ابریشم اطلاق می‌شود، رد و بدل می‌شوند را تسهیل می‌نماید. مجرماتی که از این پلتفرم غیر قانونی برای برداشت‌های شخصی استفاده می‌کنند از آن رو بدان استاندارد می‌کنند که یک سناریو عالی است. (Moore, 2016, 136).

ار سال پیام از کلید خصوصی است. این امضاء نشان می‌دهد که ار سال‌کننده پیام، رمز عبور کیف را دارا است. به عبارت دیگر، مالک کیف پول و ارزهای داخل آن است. تا این‌جا، هنوز ارزها جابجا نشده و در کیف پول مشتری نمایش داده نمی‌شود، بلکه باید منتظر ثبت آن توسط نودهای معدن‌کاو (Miner) شد تا در دفتر کل ثبت شوند و در معرض دید همگان قرار گیرند. در این مرحله، فروشنده تراکنشهای ورودی قبلی خود را نیز به نمایش می‌گذارد، تا زمانی که نودهای ماینر از طریق کلید عمومی فروشنده وارد کیف پول وی می‌شوند. آنها با مطابقت دادن تراکنشهای ورودی فروشنده با تراکنشهای ثبت‌شده در بلاکهای موجود در نسخه دفتر کل، که همراه خود دارند، پس از آگاهی از خرج نشدن آنها، تراکنش درخواستی را در جریان استخراج تأیید می‌کنند [۳،۴].

پیشینه تحقیق

رمز ارزها به سبب نوظهور بودن و گستردگی نه‌چندان وسیع آن، نوشته‌های پیرامونی زیادی را به خود اختصاص نداده‌اند. درباره این ارزها، به زبان فارسی، کتابهایی مانند: بیت کوین به زبان ساده نوشته هافمن، ترجمه‌ی مصطفی دهقان؛ ارزهای دیجیتال، بیت کوین، بلاک چین و مفاهیم پایه، نوشته پیمان اخوان (۱۳۹۶) [۱]، و همچنین دو کتاب صرفاً دیجیتالی جویندگان بیت کوین و همه چیز درباره بیت کوین را می‌توان نام برد. نویسندگان در این کتابها، به تاریخچه، فرایند تولید، مبادله، معرفی برخی از صرافیها، چگونگی کار در این بازار و تاحدی جایگاه این ارزها در نظام پولی جهان می‌پردازند. همچنین، برخی پایگاه‌های اینترنتی فارسی‌زبان همچون: میهن بلاک چین، ارز دیجیتال، کوین مد، پرشین ماین و ارز وب تمام فعالیت‌های خود را به انعکاس اخبار پیرامون رمز ارزها اختصاص داده‌اند. پایگاه‌های دیگری همچون: بورس سانس و دانشکده آموزش بازار بورس و ارز نیز در رابطه با رمز ارزها معمولاً گزارش‌گریهایی را ارائه می‌کنند. در بین نگارشهای فقهی شیعی - جدای از آثار قلمی پراکنده - تنها به دو مقاله علمی «بررسی فقهی پول مجازی»، نگارش سلیمانی‌پور، سلطانی نژاد و پورمطهر، و مقاله «تحلیل فقهی کارکرد های پولهای رمزنگاری شده (مورد مطالعه: بیت کوین)»، به قلم نواب پور، یوسفی و طالبی برمی‌خوریم.

تحقیق نخست بعد از ماهیت شناسی پولهای مجازی، به بررسی فقهی این پولها نیز می‌پردازد. نویسندگان آن در نخستین گام، پول و ماهیت آن را از دیدگاه اندیشمندان اسلامی تبیین می‌کنند.

در ادامه ایشان چندین چالش محتمل در مشروعیت پول مجازی را مطرح ساخته و مهمترین معضلات شرعیت پولهای مجازی را ورود آن به عرصه حقیقی دانستند. نویسندگان مقاله با استناد به قاعده های «لاضرر»، «احترام»، «اتلاف» و «مصلحت»، بر ممنوعیت شرعی استفاده از این ارزها، مادام که دولت سیاست‌های پولی مناسبی برای آن نیندیشیده، مباحثی را طرح و پیرامون این نتیجه گیری استدلالاتی را عنوان کرده‌اند. در مقاله دوم، ابتدا ساختار و سازوکار بیت کوین بررسی شده و با اتکاء بر موضوع شناسی انجام شده، پرسشهای متعددی در رابطه با پول و سپس معامله، استفاده و استخراج پول رمزگذاری شده مورد طرح قرار گرفته و به آنها پاسخ داده شده است. در همین مقاله آخر نیز، جوانب فقهی این موضوع هم بررسی شده و در ادامه، نظرقه‌ی ۱۳ نفر از مراجع تقلید، در زمینه پولهای رمزنگاری شده انعکاس یافته‌است. در زمینه رمز ارزها بویژه در کشورهای توسعه یافته هم در سطح رویه قضائی و هم در سطح تقنینی، شاهد وجود تجربیاتی هستیم. مشهورترین نمونه آن در زمینه دستگیری چارلی شرم^۳، رئیس هیأت مدیره شرکت مبادله کننده بیت کوین موسوم به بیت اینسنت^۴ بوده است [۵] در ۶ آگوست ۲۰۱۳ میلادی، قاضی آموس مازانت^۵ در بخش شرقی دادگاه فدرال تگزاس حکم چنین داده که به این دلیل که رمز ارزها می‌توانند به عنوان پول استفاده شوند (می‌توانند برای خرید کالاها و خدمات و پرداخت هزینه های زندگی و مبادله ارزهای متعارف بکار برده شوند) زیرا که آنها ارز یا نوعی پول محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۱۷ نیز بانک مرکزی و وزارت اقتصاد روسیه، لایحه ای را برای تنظیم رمز ارزها و اوراق بهاء دار مجازی برای تصویب در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ آماده کرده است. این لایحه، خصوصیات رمز ارزها را نه به عنوان یک وسیله ارزیابی قانونی بلکه بعنوان دارائی مشخص می‌کند. این لایحه، تملک و انتقال رمز ارزها را با اعمال محدودیتهایی به افراد مورد اجازه قرار می‌دهد. افرادی که واجد سرمایه گذاری نیستند نیز امکان خرید توکن به ارزش ۵۰ هزار روبل (۸۶۹ دلار) را دارند. بجستانی و روحانی مقدم در مقاله ای تحت عنوان «بررسی ایجاب و قبول در معاملات الکترونیک»، یادآور می‌شوند: اگر چه استفاده از سایل الکترونیکی در تجارت، پدیده نوینی نیست و استفاده از تلفن، دورنگار و نمابر سالهاست که در عرصه معاملات وارد شده اما اصلاح تجارت الکترونیک از زمانی معمول شده است که سامانه های رایانه ای به پیشرفت قابل ملاحظه ای دست یافته اند. امروزه معاملات الکترونیکی در سراسر دنیا از ارزش و اعتبار خاصی

^۵ Amos Mazzant

^۳ Charlie Shrem

^۴ Bit Instant

برخوردار است زیرا علاوه بر این که روشهای سنتی تجارت را متحول ساخته، سرعت و صرفه جوئی را به بهترین نحو برای بشر به ارمغان آورده است. رواج و گسترش روز افزون اینگونه معاملات در کشورهای توسعه یافته و لزوم پیشرفت آن در کشورهای در حال توسعه، حقوقدانان را بر آن داشته تا در جهت پُر کردن خلأهای قانونی و مسائل حقوقی این گونه معاملات بکوشند [۶].

بررسی فقهی خرید و فروش رمز ارزها

در معاملات، بطور معمول، مُراعات شروطی در جوانب عوضین، همچون مالکیت، نبود موانع تصرف در مال مورد معامله، علم به مقدار عوضین و قدرت بر تسلیم آنها لازم است [۷]. در خصوص متعاملین نیز، شرایطی همچون قصد مدلول عقد، اختیار، مالک یا مأذون از طرف مالک بودن، اجازه مولی برای معاملات عبد، تعیین مالکیتی نزد برخی از فقهاء، نبود اسباب حجر و ممنوعیت از تصرف در متعاملین (مثل نرسیدن به بلوغ، نداشتن رشد، جنون، سفاهت، مبتلا نبودن به مرض، موت برای تصرف در مازاد از ثلث طبق نظر مشهور، مفلس نبودن شرط است) [۸، ۹، ۱۰] در صیغه عقد نیز شروطی همچون ایجاب و قبول لفظی و ترتیب بین ایجاب و قبول لازم است [۷]. شروط صیغه عقد در خرید و فروش رمز ارزها بطور معمول، منتفی است؛ زیرا معاملات غالباً بصورت مقابله و سپس جابجائی و تبادل ارزها انجام می شود؛ به این صورت که فروشنده ارزیابی خود را در صرافی عرضه و سپس خریداری برای آن پیدا می شود. بعد از انجام مراحل مقدماتی و رد و بدل شدن اطلاعات، انتقال ارزیابی صورت گرفته و عوض نیز پرداخت می شود. این شکل از تجارت، ذیل «معامله معاطاتی» قابل تحلیل است. مراعات شرایط عوضین و متعاملین در معامله بیت کوین، همانند معامله دیگر اجناس، ممکن و لازم است.

توضیح اینکه: «مال» در لغت بمعنای «تمام چیزهای است که انسان آنها را مالک می شود» [۱۱، ۱۲]. مال در نگاه عرفی چیزی است که عقلاء و مردم به آن راغب باشند. دقت در تعبیر فقهاء حاکی از آن است که ایشان معنای عرفی را به انضمام شرط وجود منفعت محله (حلال و مباح شرعی) پذیرفته اند [۱۳]. در تبیین این مطلب، میرزای نائینی با نگاهی موشکافانه، برای مالکیت یک شیء، چهار شرط را برای آن بر شمرده است: نخست، شیء - دست کم - دارای یکی از دو ویژگی پیش رو باشد: «منفعت» یا «خاصیت». مراد از «منفعت»، قابلیت انتفاع از شیء با بقای آن است؛ مانند سکونت در خانه؛ و مراد از «خاصیت» منفعتی است که بر شیء مترتب می شود و با از بین رفتن عین شیء همراه خواهد بود؛ مانند سیری، که بر خوردن نان، همراه با از بین رفتن

آن، مترتب می شود. دوم، عقلاء به حسب عادتشان، بخاطر منفعت یا خاصیت این شیء، آن را جمع آوری کنند؛ چه این خاصیت و یا منفعت شایع بوده و اختصاص به برخی احوال نداشته باشد، مانند گندم، و یا اینکه نادر باشد و مختص بعضی احوال باشد؛ مانند دارو که تنها در حال مرضی بکار می آید. اما اشیائی که عقلاء آن را جمع آوری نمی کنند، هر چند منفعت و خاصیت داشته باشند، ولی به دلیلی همچون فراوانی، راغب به جمع کردن آن نباشند، مالکیت ندارند. سنگ و خاک نمونه این موارد است. سوم، عقلاء در برابر این شیء، مال پرداخت کنند. اگر عقلاء برای آن، مال پرداخت نکنند، مالکیت ندارد؛ برای نمونه، عقلاء برای آب در کنار نهر در عین داشتن منفعت و خاصیت، مال پرداخت نمی کنند. تا اینجا، میرزای نائینی سه شرط یاد شده را در مالیت عرفی معتبر بر شمرده و شرط آخر را این گونه اضافه کرده است: چهارم، منفعت یا خاصیت مَقُوم مالیت شیء مورد نهی شارع نباشد. برای نمونه، شراب به واسطه نهی شارع مالیت ندارد [۱۰]. بیان بالا با اینکه اشکال منطقی دارد و در تعریف «مالکیت»، از تعبیر «مال» استفاده شده (در شرط سوم)، ولی تحقیقی درخور تقدیر و جامع است که در مقام جمع بین شروط عرفی و شرعی مالیت آمده است. با توجه به مقدمه بالا، رمز ارزهایی همچون «بیت کوین»، نزد آشنایان با این بازار، به سبب منفعتی که دارد، مرغوب است. از این رو، در مالیت عرفی آن تردیدی نیست. از آنجا که این قبیل ارزها، قابلیت استفاده در جهات حلال، همچون پرداخت بهای کالاهای مباح خریداری شده را دارند و منفعت محله نیز برای آن متصور است، مالیت شرعی آن قابل پذیرش است. دیگر شروط عوضین و متعاملین بین معامله بیت کوین و دیگر کالاها مشترک است. رعایت و احراز این شرایط در مورد بیت کوین وجود دارد. از این رو، چالش خاصی در مورد خرید و فروش این ارزها وجود ندارد. بعبارت دیگر، با توجه به تنوع خدمات ارائه شده در صرافی رمز ارزها، امکان احراز این شروط - ولو در بعضی از این صرافیها - وجود دارد. قبض این ارزها با توجه به آنچه محققان متأخر از فقهاء در معنای «قبض» آورده اند و با عباراتی همچون «استیلا بر مبیع» [۷]، «استیلا و استبداد به شیء» [۱۴]، «استعلا بر مال» [۱۳] از آن تعبیر نموده اند، با اشکال خاصی مواجه نیست. بر این اساس، رمز ارزها چون به «کیف پول مشتری» اتصال دارند که منجر به تسلط بر ارز می شوند، موجب تحقق قبض مشتری خواهند بود.

اشکالات فقهی تجارت با بیت کوین

در مورد تجارت با بیت کوین اشکالاتی طرح شده که در ادامه به بررسی آن می پردازیم :

نخست. بین کوین ممکن است ابزاری برای پول شوئی واقع شود. تجارت رمز ارزها تنها راه و یا روش غالب پول شوئی نیست. پول شوئی بمعنای «اقدامات آگاهانه برای تبدیل پول های حاصل از جرائم و فعالیت های غیر قانونی به پولهای قانونی است که از طریق مخفی نمودن درآمد حاصل از جرم و سپس به جریان انداختن آن در فعالیت های اقتصادی مشروع - برای قانونی جلوه دادن تحصیل آنها - صورت می گیرد» [۱۵]. این گونه نیست که مصرف عمومی و متداول بیت کوین، پول شوئی بوده و بعنوان معضل پیش روی جامعه جهانی در مبارزه با پول شویی مطرح باشد. مؤید آن برخی آمارهاست که میزان پول شویی با بیت کوین را از آغاز پیدایش تا سال ۲۰۱۹، ۲/۵ میلیون دلار تخمین زده اند، [۱۶]. این اعداد نشان می دهد مقدار ناچیزی از پولهای کثیف از این مسیر تطهیر شده است. علاوه بر این، طبق این فرض، باز هم می توان از طریق نظارت هایی که توسط بعضی از صرافیها صورت می گیرد، قانونی بودن تجارت این ارزها را منوط به معامله در صرافی هایی کرد که در آن امکان پیگیری خریداران و فروشندگان وجود دارد.

دوم. ورود به معامله با بیت کوین و انجام داد و ستد معاملاتی با آن در حکم «اکل مال به باطل» است.

دو احتمال در مورد مقصود از «باطل» در آیه شریفه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» (بقره : ۱۸۸ ؛ نساء ۲۹) به عنوان مستند نهی از اکل مال به باطل وجود دارد. هر دو معنا برگرفته از معنای «باء» در این آیه است: اگر باء به معنای سببیت باشد، معنای آیه چنین می شود : «اموالتان را به اسباب باطل، همچون قمار نخورید» [۱۷، ۱۳]. اگر باء به معنای مقابله باشد، معنای آیه چنین می شود : «اموالتان را در مقابل باطل (شیء بی ارزش و لامال) نخورید» [۱۸، ۱۴]. در هر صورت، آیه مذکور محل نزاع را شامل نمی شود ؛ زیرا با توجه به آنچه که گفته شد، بیت کوین، پرداخت پول و کالا در برابر آن، هزینه کردن در برابر شیء بی ارزش و باطل نیست. بنابراین، تجارت بیت کوین تخصصاً از مفاد آیه خارج است. اگر باء را به معنای سببیت بدانیم، باز هم آیه ارتباطی به بحث ما ندارد ؛ زیرا آیه فوق، تنها از تحصیل مال با اسباب باطلی همچون قمار، غصب و امثال آن نهی کرده است.

سوم. بیت کوین حباب ارزی است.

حباب ارزی بودن بیت کوین بمعنای افزایش قیمت حباب گونه و بی سبب، که در آینده ممکن است سرمایه گذاران این بازار را متضرر کند و بخودی خود موجب ممنوعیت شرعی آن معامله

شود، نیست ؛ زیرا در شرایط وجود حباب قیمتی، خرید یک کالا با نرخی بالاتر از قیمت واقعی آن انجام می شود. چنین معامله ای با اشکال بطلان، مواجه نیست، بلکه محاسبات برای تشخیص حباب در قیمت کالا، تنها یک پیش بینی اقتصادی است که با اتکاء بر آن، می توان به سرمایه گذاران هشدار داد تا مطمئن ترین سرمایه گذاری را انتخاب کنند.

چهارم. این معاملات خطر دارد و غرری است.

مبادله بیت کوین را نمی توان به استناد روایات حاکی از نهی از غرر، ممنوع دانست. این روایات، به فرض مقبولیت سندشان و همچنین قبول دلالت آن بر بطلان معاملات خطرآمیز - چنان که برخی از اهل لغت همین معنا را از غرر برداشت نموده اند [۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴]، شامل چنین مبادله ای نمی شود. در معامله «بیت کوین»، «خطر» بمعنای در معرض هلاکت بودن، نیست ؛ زیرا در این معامله شخص با پرداخت عوض، بیت کوین را بدست خواهد آورد. از این رو، چنین معامله ای به مثابه خرید عبد فراری، ماهی در دریا و پرنده در آسمان نیست. این گونه نیست که نوسانات قیمت بیت کوین، سبب خطری بودن اصل معامله شود. ممکن است گفته شود دسترسی کشوری همچون آمریکا به سرورهای اصلی اینترنت، می تواند زمینه ساز غرر در مبادله بیت کوین شود ؛ زیرا هر زمان امکان دارد که دولتمردان آمریکا تصمیم بگیرند این شبکه را از بستر اینترنت جمع کنند و این شبکه را متلاشی سازند. این احتمال، سرمایه گذاری و نگهداری بیت کوین را عملی، غرری می کند. در نتیجه، سرمایه افراد، در معرض خطر نابودی قرار می گیرد. این ایراد را می توان به این صورت، تکمیل کرد که چنانچه دولت آمریکا رمز ارزها را بطور کامل به رسمیت نشناسد، نه تنها خود را متعهد به حراست از آن نخواهد دانست، بلکه امکان از بین بردن شبکه از طرف چنین دولتی بعنوان گرداننده اینترنت، منتفی نیست.

در پاسخ این سؤال، باید این مطلب را مدنظر داشت که حمایت دولتها از فعالیت اقتصادی یا سرمایه گذاری، معیار رفع خطر نیست، بلکه ملاک، نفی غرر است خواه به سبب حمایت دولت، غرر منتفی باشد یا جهت دیگر سبب این امر شود. مشاهده می شود که دولت آمریکا در عین ستم به ملت ها - هرچند به سبب منافع طولانی مدت خود - دسترسی به اینترنت را محدود نمی کند. بدین روی، عملکرد کنونی دولت آمریکا سبب جلب اعتماد شده، به گونه ای که فعالیت اقتصادی در این شبکه با خطر جدی حذف مواجه نیست. مهمتر اینکه، غرر، مربوط به فرضی است که خطر در اصل معامله باشد، به این صورت که دسترسی به عوضین به سادگی ممکن نباشد و احتمال بی نصیب ماندن از عوض باشد؛

ولی اینکه بعد از معامله، محل نگهداری کالا نامطمئن با شد، امری جدای از معامله است و خطری مرتبط با نوع سرمایه گذاری است.

پنجم. بیت کوئین نه پول است و نه مال

در پول یا کالا بودن بیت کوین، تردید است. تنها برخی از دولتها آن را کالا تلقی نموده اند [۲۵]. ولی مهم مالیت آن است. با توجه به آنچه در اثبات مالیت رمز ارزهایی مثل بیت کوین ذکر شد، مالیت آن قابل دفاع است.

ششم. در معامله بیت کوئین تبانی بر مفهوم مال است و مالی در

بین نیست

این برداشت نادرست است؛ رمز ارزها در جریان ماینری، توسط شبکه تولید و پس از خرید و فروش، جابجا شده و به کیفهای پول منتقل می گردد. نکته مهم این است که تکیه اشکالات بالا بر احتمال از بین رفتن کلی این ارزها می باشد. این احتمال درباره ارزهای فیزیکی نیز وجود دارد. چنین احتمالی مادام که موجب اعتنای عقلاء بنحوی که موجب انصراف نوع آنها از این کار نشود، قابل پذیرش نخواهد بود.

هفتم. ضرر داشتن

اگر منظور از ضرر داشتن معامله این ارزها، متضرر شدن خریدار باشد، این اشکال وارد نیست؛ زیرا در طول چند سال گذشته سودآوری بالایی برای خریداران این ارز ثبت شده است. گذشته از آنکه متضرر شدن در معامله، به خودی خود، مستلزم وجود ایراد فقهی در اصل معامله نیست.

هشتم. تغییر حجم پول و عدم کنترل دولتها بر آن

از نگاه برخی محققان «تغییر حجم پول با تزریق پولهای مجازی به نظامهای پولی کشورها و نبود کنترل روی این ارزها مهمترین چالش پذیرش مشروعیت کاربرد این ارزها ست». بر این اساس و بموجب قاعده «لاضرر» تولید آن غیر شرعی دانسته [۲۶]. نگارندگان دیگر مقاله فقهی درباره رمز ارزها نیز پس از بی اشکال دانستن معامله این ارزها، در پایان، با تکیه بر ریسک پذیری بالای این معاملات، آن را با شبهه «لاضرر» مواجه دانسته و استفاده از آن را از منظر فقه حکومتی خالی از اشکال نمی دانند [۲۷].

در خصوص استدلال بالا، چند نکته، قابل تأمل است:

۱. اولین راه مواجهه با هر پدیده نوظهوری، که گاهی ناهمگونی و ناهماهنگی با نظامهای جاری را به همراه دارد، برخورد حقوقی و استفاده از قوه قاهره و توان قانون برای جلوگیری از آن نیست.
۲. راهکارهایی همانند اجرای سیاستهای انقباضی پولی در زمانی که میزان ارزش ارز در جامعه بیش از کلااست – با فرض اینکه بیت کوئین جایگاه پول رایج را تصاحب کند و کاربرد پولی پیدا

کند – رویکردی قابل اجراست. با رواج رمز ارزها، دولت می تواند با کم کردن ارزهای رایج، جلوی کاهش ارزش پول را بگیرد.

۳. این رُخداد تنها در صورت عرضه و انتشار رمز ارز اتفاق نمی افتد؛ بلکه با آمدن هر پول جدید در کشور، ممکن است واقع شود. از این رو، بستن راه ابداعات نوپدید، مدیریت صحیحی برای اقتصاد جامعه بشمار نمی آید. گذشته از اینکه حضور این ارزها در برخی از کشورها، با کاهش ارزش پول همراه نبوده است.

نهم. تضییع اموال مسلمانان و کاهش ارزش پول مردم

در مقاله «بررسی فقهی پول مجازی» اشکال را متوجه سیاست گذاران پولی دانسته و ایشان را ضامن این اتلاف می دانند [۲۶]. در پاسخ به این شبهه، باید گفت که حفظ و پایداری ارزش پول توسط سیاست گذاران اقتصادی مسأله ای و جلوگیری از ورود کالا و ارزیابی جدید مسأله ای دیگر است. اینکه تنها راه حفظ ارزش پول مردم در صورت عرضه رمز ارزها، ممنوع اعلام نمودن آن باشد، مسأله سوم است. همانگونه که اشاره شد، دولتها می توانند با برنامه ریزی صحیح و بدون ممنوعیت ورود رمز ارزها، این امور را سامان دهند. نباید ناکارآمدی مدیران و ناتوانی در برنامه ریزی را با قانونگذاریهای یک جانبه و دستاویز قراردادن فقه، جبران کرد.

دهم. خروج ارزیابی از کشور در معاملات صرافیها

برای ارزیابی این احتمال، باید توجه کرد که آیا با خارج شدن ارز از کشور، چیز با ارزشی وارد می شود یا خیر؟ با توجه به ارزشی که این ارزها دارند، خروج ارز در مقابل شئی، بی ارزش نیست. همچنین خروج ارز در شرایط عادی ایرادی ندارد؛ بلکه هر مالکی، حق دارد مال خود را به هر شکل مشروعی خرج کند و مرزهای کنونی نباید محدودیتی ایجاد کنند. بله، گاهی ممکن است خروج ارزیابی لطمه های شدیدی به نظام معیشتی مردم وارد کند. در این صورت، چنانچه تحقق عناوین ثانویه، ایجاد محدودیت در فعالیت های اقتصادی را برای حاکم اسلامی تجویز کند، طبقاً حکم به ممنوعیت خروج ارز را صادر خواهد کرد. چنین حکمی منحصر به تجارت رمز ارزها نیست.

یازدهم. بیت کوئین بعنوان ابزارسفرش کالاها و خدمات ممنوع

آخرین اشکال را این گونه می توان تقریر کرد: بیت کوئین ارز رایج برای سفارش خدمات و کالاها میجرمانه است. به این بیان، با پیگیری روند سفارش اقدامات مجرمانه ای مانند توزیع مواد مخدر، قتل و شکنجه انسان، تجاوز به کودکان و سایر جرائم و جنایات غیر انسانی، که در «وب تاریک» یا همان «دارک وب» عرضه می گردد، متوجه می شویم این سفار شها برای ماندن دو طرف جرم با رمز ارز صورت می پذیرد. بر این اساس، از بین بردن زمینه جرم در «دارک وب» ذیل عنوان «وجوب مقدمه واجب»

۲- بدون واسطه بودن نظام پرداخت رمز ارزها : نظام پرداخت رمز ارزها بدون واسطه بوده و مشتری و فروشنده بطور مستقیم توکن رمز ارزها را معامله می کنند.

بررسی رمز ارزها از منظر فقه حکومتی

قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر أبواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می شود، قاعده لاضرر است. در معنای ضرر میان فقهاء اختلاف وجود دارد. اما در مجموع می توان گفت که در مورد نفس و مال، کلمه ضرر استعمال می شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قاعده لاضرر، مبنای اصل ۴۰ قانون اساسی قرار گرفته و در بخش حقوق مردم این قانون که مهمترین بخش قانون اساسی نیز خود مبنای صحت و قانونیت سایر قوانین است، بنابراین قاعده لاضرر از نگاه قانون ایران و همچنین فقه حکومتی شیعه دارای جنبه عمومی است تا خصوصی [۳۰].

از آنجا که ورود بی رویه رمز ارزها بدون نظارت حکومت اسلامی، بعنوان سیاستگذاران انحصاری سیاست پولی، از یک سو موجب اختلال در نظم اقتصادی جامعه اسلامی شده و بر اقتدار دولت اسلامی بر بازار تاثیرگذار می باشد و از سوی دیگر، ممکن است موجب تضییع حقوق آحاد جامعه و ثروتهای ملی بعثت وجود ارزهای غیرحاکمیتی شود به استناد قاعده لاضرر می توان تولید و جریان رمز ارزها را در اقتصاد واقعی نادرست دانست.

قاعده احترام

گروهی از فقیهان، احترام مال را به ناروا بودن مزاحمت و گرفتن قاهرانه مال از مالک مسلمان تعریف کرده اند [۳۱]. برخی دیگر آن را محافظت از نابودی و ضایع نساختن مال مسلمان دانسته اند [۳۲]. بعضی از فقهاء بی ارزش نشمردن مال مسلمان را نیز معنای قاعده احترام شمرده اند و بنظر ایشان هنگامی که با مال مسلمان، همسان اشیا بی صاحب و مباحات اولی رفتار شود، حرمت آن شکسته شده است [۳۳].

بنابر تعریف نخست، پیام قاعده احترام نسبت به مال مسلمان این است که میان ملک و مال، جدائی نیاندازید و وی را با تصرف یا گرفتن مال، از تصرف مالکانه باز ندارید ولی پیام در تعریف دوم ظاهراً آن است که مسلمانان افزون بر ممنوعیت تعدی به مال دیگری، تکلیف حفاظت از مال مسلمان در مقابل نابودی نیز دارند؛ باید تلاش شود مال مسلمانان نابود نگردد. نگاه تعریف سوم نیز بر رایگان نبودن تصرفات است.

قرار می گیرد. توضیح آنکه مبارزه با فساد در جامعه از باب نهی از منکر، بر حاکمیت لازم است که با برچیدن بازار ارزهای دیجیتال، سفارشهای اینترنتی مذکور تا حد زیادی کاهش خواهد یافت. بدین روی، از باب وجوب مقدمه واجب، بر حاکم لازم است تا این ابزار را بر هم بزند. همچنین «نهی از اعانه بر اثم و عدوان» [۲۸] نیز از قواعدی است که به استناد آن، می توان این بازار را ممنوع اعلام کرد. از سوی دیگر، نهی از کمک بر اثم و عدوان اقتضای از میان برداشتن بستر سفارشهای مجرمانه را دارد که با ممنوع ساختن تجارت رمز ارزها، چنین هدفی قابل دسترسی است. بر این اساس، دلیل فوق بر برخورد حاکمیت با شبکه های رمز ارز، و مجرمانه خواندن جابجائی این ارزها معطوف خواهد بود، نه صرف بطلان و عدم صحت تبادل آنها. واقع این است که دو بیان بالا نیز با اشکال مواجه است؛ زیرا مقابله با رمزینه ارزها، مقدمه عرفی مبارزه با فساد و نهی از منکر است؛ زیرا راههای دیگری برای سفارش جرم وجود دارد. این در حالی است که تنها مقدمه عقلی و شرعی واجب، واجب است [۲۹]. همچنین در اینکه صدور اجازه خرید و فروش رمز ارزها، اعانت و مساعدت سفارشهای مجرمانه تلقی شود، ایراد جدی وجود دارد. همچنین تنها راه مقابله با خرید و فروش های غیر مجاز با رمز ارزها ممنوع ساختن رمز ارزها نیست؛ زیرا ممنوعیت استفاده از این ارزها در کشورهای اسلامی، با ادامه بکارگیری آن در دیگر کشورها به هیچ وجه نمی تواند زمینه جرم را برای چنین شبکه هائی از بین ببرد. علاوه بر این، برخورد و پیگیری و متلاشی ساختن پایگاه های اینترنتی خلاف کار در «دارک وب» آسان تر و موجه تر از برخورد با رمز ارزها بعنوان ارزیابی رایج این پایگاه هاست. واقعیت این است که مجرمان برای سفارش برخط خود، چاره های دیگری خواهد اندیشید، همانگونه که مجرمان این عرصه به سکه های برخی بازیهای رایانه ای روی آورده اند [۱۶].

دلایل کلی مشروعیت و بطلان معاملات رمز ارزها

دلایل مشروعیت معاملات رمز ارزها:

۱. رمز ارزها مجموعه ای از اعداد بعنوان رمزینه هستند که بر اساس محاسبات ریاضی نیاز به پردازش بالا دارند. این اعداد بعنوان پول قابل استفاده هستند. از آنجائیکه برای تولید این اعداد نیاز به حجم پردازش بالائی می باشد، هم سرمایه و هم انرژی صرف شده برای تولید این اعداد، زیاد است. بنابراین از نظر فنی، رمز ارزها دارای ارزش ذاتی هستند به مانند طلا و معاملات که مشروع و قانونی می باشند.

می کند تا حاکم اسلامی تا به سامان رسیدن تولید و جریان این شکل از پول، از ورود آن به اقتصاد واقعی جلوگیری کند.

قاعده عدالت

در مباحث فقهی، عدالت در امور اجتماعی بعنوان عدل و انصاف که بیشتر به تطبیق عدالت در امور مالی یا توزیعی بر می گردد، عنوان شده است. اسلام که عدالت اجتماعی را از مبادی اساسی برای شکل گیری خط مشی اقتصادی می داند، آن را با مفهوم تجریدی مبناء قرار نداده و نیز بصورت باز بدان دعوت نکرده تا قابل هر گونه تفسیر باشد. همچنین آن را به جوامع انسانی که دیدگاه های متفاوتی پیرامون عدالت دارند و بر اساس اندیشه و تلقی خویش از زندگی و حیات معنایش می کنند واگذار نکرده است. بلکه اسلام عدالت را در ضمن یک سیاست گذاری و برنامه ریزی معین ارائه کرده که توانسته است پس از آن، این ایده را در واقعیتی زنده مجسم کند واقعیتی که تمام تار و پودش با مفهوم اسلامی عدالت عجین است [۳۵]. در همین راستا، توزیع ناعادلانه ثروت از جمله تهدیدهای رمز ارزها بر این نظام اقتصاد اسلامی است چرا که در حال حاضر بیش از نیمی از حجم بازار این نوع پول متعلق به افراد معدودی است که در واقع سهامداران اصلی رمزآرها تلقی می شوند و از این طریق، می توانند، تحریمها، تهدیدها و مخاطراتی را به اقتصاد کشورهایی که رمز ارزها در آنها رواج یافته تحمیل نمایند.

رمز ارزها راه برون رفت از تحریمها

خصوصیت گمنامی افراد در معاملات رمز ارزها ویژگی منحصر به فردی است که چه بسا بتوان توسط آن تحریمهای ظالمانه علیه کشور عزیزمان را دور زد. این موضوع به قدری روشن و حائز اهمیت است که حتی واضعین تحریمها نیز به آن اذعان نموده اند. در گزارش ریسکها و تهدیدات رمز ارزها که توسط کمیته سنای آمریکا در سال ۲۰۱۴ انتشار یافت، چنین آمده که مردم برخی کشورهایی که اقتصاد آنها رو به زوال است و ارزش پول ملی کشورشان در حال نزول است، ممکن است علاقه به سرمایه گذاری در حوزه رمز ارزها داشته باشند تا از این راه، سرمایه خود را ایمن نگه دارند. این کشورها به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) کشورهایی که تورم شدید دارند مانند زیمبابوه؛

ب) کشورهایی که بحرانهای مالی دارند مانند یونان و قبرس؛

ج) کشورهایی که تحریمهای شدید بین المللی دارند مانند ایران.^۷

قاعده احترام اغلب در مواردی که فقهاء برای تمسک به قاعده ضمان ید، اِتلاف یا تسبیب با مشکل روبرو گردیدند، بکار برده شده است. شخصی که مال دیگری را غصب می کند، نسبت به عین آن، بنابر قاعده ضمان ید، ضامن است اما راجع به منافع مستوفات و غیر مستوفات در استناد به قاعده مذکور، بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد و برخی از آنها قاعده ضمان ید را شامل این مورد ندانسته اند [۳۴]. لذا بموجب قاعده احترام، ما مسلمان محترم و تجاوز و تعهدی به آن موجب ایجاد مسئولیت و ضمان برای متجاوز به مال دیگری است. بنابراین بر اساس قاعده احترام و حرمت تضییع اموال مسلمین، ورود رمز ارزها در بازار اقتصاد اسلامی بدون نظارت حکومت اسلامی بر آنها، موجب افزایش میزان ضرر در حجم پول و ثروتهای اقتصاد واقعی است که بر این اساس، تزریق چنین پولی با عنوان حرمت روبرو است.

قاعده حفظ نظام

مسئله حفظ نظام بعنوان یک واجب شرعی در أبواب مختلف فقهی و اصولی مورد تأکید قرار گرفته است. بر این حکم، همه آدله و مبانی شرعی فقهی دلالت دارد. نظام در مفاهیم و مراتب گوناگونی مانند سامان داشتن زندگی اجتماعی، کبان کشور، حکومت، مجموعه احکام و موازین اسلام و خرده نظامهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بکار می برد. لکن نظام سیاسی اسلام از جایگاه برتری نسبت به نظامهای جزئی از قبیل نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و ... برخوردار است و مراد فقهاء از استعمال نظام در أبواب فقه سیاسی، نظام سیاسی اسلام است.

همچنین باید این نکته را نیز افزود که در اسلام، حکومت ظاهری و قدرت سیاسی فی نفسه ارزش نداشته و واجب نیست و نباید به هر دستاویزی برای حفظ آن متوسل شد. بلکه حفظ قدرت و حکومت از آن جهت، واجب است که زمینه ساز تعالی انسان را فراهم می کند و تا زمانی واجب است که مسائل و مصالح زیربنائی اسلام به خطر نیفتد. همچنین اگر حفظ آن در تزامم با اصل دین و توحید و نبوت و اصل امامت و حب اهل بیت علیهم السلام و بغض أعدائشان باشد، بدون شک هیچ تکلیفی در حفظ آن نیست و چه بسا اقدام برای تغییر آن، واجب می شود. لذا با عنایت به چالشهای رمز ارزها مانند مشکلات امنیتی، تسهیل جرائم اینترنتی، فرار مالیاتی و پولشویی که موجب اختلال در نظام اقتصادی و حتی سیاسی و اجتماعی خواهد شد، مصلحت اقتضاء

^۷ چ. هنتز، ریسک ها و تهدیدات رمز ارزها، کمیته امنیت ملی سنا، ۲۰۱۴.

^۸ سلیمی، عبدالحکیم، (۱۳۸۵). «حقوق اهل بیت (علیه السلام)». فصلنامه معرفت، شماره ۱۰۶

الف - مالکیت

از شرایط صحت معاملات مالیت شرعی داشتن کالای مورد معامله است. منظور از مالیت داشتن یعنی در بازار ارزش داد و ستد داشته و قابل مبادله و تقویم به پول باشد. اما، اگر چیزی باشد که در بازار ارزش مبادله ای نداشته باشد و کسی عموماً در ازای آن مالی پرداخت نمی کند، آن چیز مالیت ندارد و نمی توان با آن معامله انجام داد. یکی از مهمترین مباحث اختلافی بین کارشناسان اقتصاد اسلامی، به موضوع مالیت شرعی رمزآرزهائی همچون بیت کوین بر می گردد و پرسشی که طرح می شود این است که آیا از لحاظ شرعی بیت کوین مالیت دارد؟ با تعمقی در اظهارنظرها، می توان ریشه این اختلاف نظرها را در تعاریف متفاوت مال نزد فقها دانست. بعبارتی، فقدان کشف یا سخ واحد، متقن و شفاف به پرسش «مال چیست»، باعث شده است با ورود پدیده های نوظهوری همچون رمز آرزها، بر شعاع دایره اختلاف نظرها افزوده شود. یکی از علل اختلاف نظرها در تعریف مال به اعتباری بودن حیثیت مال برمی گردد، زیرا مال از اُمور اعتباری است و به خودی خود حیثیت واقعی ندارد و صرفاً به اعتبار عقلاء وابسته است. از این جهت، این اعتبار ممکن است در زمانها و مکانهای مختلف بگونه ای متفاوت ظهور کند.

عده ای از منتقدان در خصوص مالیت بیت کوین نظر بر این دارند که چون متخصصان در مورد این رمز آرز تفاوت دیدگاه دارند و یک ضامن اعتباری مشخص برای آن یافت نمی شود، پس فعلاً باید بناء را بر این بگذاریم که ماهیت این پولها توهمی است [۳۶]. بعبارتی، هرگاه می خواهیم یک دارائی را معامله کنیم، آن دارائی یا باید ارزش ذاتی داشته باشد که بتواند بخاطر ارزش ذاتی اش مالیت پیدا کند و قابل معامله باشد، یا ارزش اعتباری داشته باشد که بر اساس جایگاه آن اعتباردهنده بتوانیم بگوئیم این دارائی به چه میزان اعتبار دارد و بر اساس آن معامله کنیم. این درحالی است که رمز آرزهایی همچون بیت کوین بر اساس اطلاعاتی که وجود دارد از جهت مالیت محل تردیدند، زیرا هیچ شناختی از اعتبار دهنده آن در دسترس نیست و معلوم نیست اعتباردهنده آن چه کسی است و چه مسئولیت و تعهداتی را در قبال آن بر عهده گرفته است [۳۷]. نکته دیگر آن است که بیان می شود اعتبار همه عقلاء در مالیت یک چیز لازم است. پول از چیزهائی است که اعتبار جمیع عقلاء را لازم دارد. مثل اینکه طلا می تواند طرف معامله قرار بگیرد، چون جمیع عقلاء آن را اعتبار می کنند؛ چون جمیع عقلاء آن را اعتبار می کنند؛ اما با قطع نظر از اعتبار دولتها، صرف اینکه بخشی از عقلاء در دنیا با بیت کوین معامله می کنند و به آن پول می گویند، کافی نخواهد بود [۳۸].

بنابراین علیرغم مشکلات داخلی مذکور، در شرایط فعلی چه بسا رمز آرزها با وضع قوانین صحیح و در سطح کلان توسط دولت بتواند راهگشا باشد. اهمیت ارزیابی رمز آرزها در بحث فرار و برون رفت نیز از همین جا مشهود می گردد که نظامهای رسمی مالی و بانکی بین المللی بعثت وجود مقررات بین المللی سخت، کمتر امکان دور زندیشان در صورت وجود تحریمهای غیر قانونی و ظالمانه بین المللی وجود داشته و در این مسیر، رمز آرزها می توانند بعثت تقنین ضعیفتر بین المللی و داخلی موثر آفتند.

بیت کوین از پنجره فقه اسلامی

خصلت و ویژگی های فناوری در به رسمیت نشناختن مرزهای جغرافیائی باعث شد ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر در مدت زمان نه چندان زیادی، اقتصاد خود را با این پدیده نوظهور مواجه ببیند. اگر چه چند سالی است که بحث رمز آرزها در اقتصاد ایران نقل محافل تخصصی بوده است، بدون تردید دو سال اخیر نقطه عطفی در پرداخت و توجه جامعه به این مبحث خصوصاً موضوع استخراج رمز آرزهایی همچون بیت کوین بوده است. این توجه بحثی بوده است که بانک مرکزی پس از اطلاعیه ای رسمی خود در سوم اردیبهشت ۱۳۹۷ مبنی بر ممنوعیت بکارگیری ابزار بیت کوین در مراکز پولی و مالی کشور، در بهمن ۱۳۹۷ سند «الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمزآرزها در کشور» را منتشر می سازد. همچنین در تیر ۱۳۹۸، بانک مرکزی با انتشار اطلاعیه ای چهاربندی مواردی را یادآور می شود که از جمله آن می توان به انحصار بانک مرکزی در انتشار رمز آرزها با پشتوانه ریال، طلا و فلزات گرانبها و انواع ارزیابی اشاره کرد. همچنین، در این اطلاعیه ذکر شده است که «موضوع استخراج رمز آرزهای جهان روا و شرایط آن در کمیسیون اقتصادی دولت در حال بررسی است و پس از اتخاذ تصمیمات لازم، ضوابط آن مطابق با مقررات و مصوبه فوق ابلاغ می شود». با توجه به الزام حاکمیت و سیطره ضوابط شرعی و اسلامی بر نظام قانون گذاری کشور، خیلی زود توجه به مباحث فقهی و حقوقی رمز آرزها در صدر فهرست اولویت های پژوهشی مرتبط با رمز آرزها قرار گرفته است. کارشناسان و محققان اقتصاد اسلامی مواضع بعضاً متفاوتی نسبت به مشروعیت این پدیده جدید دارند و نقدهائی را از حیث فقهی مطرح کرده اند. در ادامه با تمرکز بر بیت کوین، بعنوان معروفترین رمز آرز شناخته شده در اقتصاد ایران، به بررسی مهمترین این موارد پرداخته می شود.

اما در سَمَتِ موافقان مالیت داشتن رمز آرزوهای مانند بیت کوئین گفته می شود که بیت کوئین دارای مالکیت است، زیرا اولاً افراد حاضرند در مقابل آن مال (پول) پرداخت کنند؛ دوم آن که فرد با خریداری آن غیر از احتمال افزایش ارزش، می تواند در مبادلات خود از آن استفاده کند. پس بیت کوئین دارای منفعت عقلانی است و عَرَف برای این منفعت مالیّتی است و عَرَف برای این منفعت مالیّتی را در نظر می گیرد؛ سوم آن که تعداد بیت کوئین محدود است و تولید آن به گونه ای نیست که از حالت کمیابی خارج شود؛ چهارم اینکه قابلیت خرید کالا با بیت کوئین و امکان تبدیل آن به پولهای رایج تأمین کننده غرض عقلانی برای بیت کوئین است و طبق این تعریف نیز بیت کوئین مالیت دارد [۳۹].

به بیان دیگر، مالیت یک امر عَرُفی انتزاعی است و از اینکه عقلاء برای شیئی مالیت قائل می شوند، می توان برداشت و انتزاع مالیت آن چیز را داشت. همچنین، در بحث مالیت گفته شده است که بنابر نظر محققان و فقهاء، مال باید حداقل چهار ویژگی داشته باشد: نخست آن که مال، چیزی است که منفعت داشته باشد که برخی به جای این ویژگی، از عبارت «مردم به آن رغبت داشته باشند» استفاده کرده اند که به نظر می آید تعبیر دوم دقیقتر است و شمول بیشتری دارد؛ دوم اینکه مال چیزی است که قابلیت دستیابی و اختصاص داشته باشد، پس سنگی که در اعماق غیر قابل دسترس زمین یا کُرّات دور وجود دارد هر چند هم که آرزو شمند باشد، مال نیست؛ سوم اینکه مال باید کمیابی نسبی داشته باشد والا هر چند که چیزی منفعت داشته باشد، مال به حساب نمی آید. این ویژگی را می توان از تعبیر چیزی که در مقابل آن بهاء می پردازند، شناسائی کرد؛ و در نهایت چهارم آن که همه منافعی یا منافع عمده اش مورد نهی قرار نگرفته باشد؛ مثل مشروبات الکلی یا آلات قمار و مانند آن که منافع آنها مورد نهی واقع شده است. پس این قبیل اشیاء شرعاً مال محسوب نمی شود. بر این اساس، بنظر می رسد امکان اطلاق عنوان مال بر بیت کوئین وجود دارد؛ بیت کوئین مورد رغبت و تقاضاست، قابلیت به دست آوردن (اقتناء) در آن هست، کمیابی نسبی دارد، و نهی ویژه ای هم درباره آن در شرع وارد نشده است. پس با توجه به واقعیت موجود درباره بیت کوئین و اینکه مورد رغبت عقلاست و تا اندازه ای بعنوان یکی از وسایل داد و ستد تلقی می شود، می توان اذعان داشت که بی گمان بیت کوئین «مال» و «کالا» است [۴۰].

ب- غرر

غرر در لغت به معنی خطر، نیرنگ و غفلت و جهل است. بنا به تنوع تعاریف غرر، قائلین به غرری بودن بیت کوئین نظرهای

گوناگونی را ابراز داشته اند. بخشی از منتقدان با تعریف ابهام و جهل برای غرر، معامله بیت کوئین را یک معامله غرری می نامند، زیرا خریدار بیت کوئین مثلاً یک میلیون تومان را پرداخت می کند و در عوض کالائی را دریافت می کند که هویت آن چندان معلوم نیست و این نشان از غرری بودن معامله دارد (نظری، ۱۳۹۷). در این معنا، چون اصل وجود، مالیت، میزان اعتبار، و اینکه آیا برای این مال یک اعتباردهنده متعهد و مسئول وجود دارد یا خیر، ابهام دارد. از جهت فقهی معامله با آن، معامله غرری محسوب می شود [۳۷]. یکی دیگر از معانی غرر خدعه و نیرنگ است. عده ای از منتقدان با این تعریف، غرری بودن معاملات بیت کوئین را اثبات شده می دانند، زیرا از نظر این دسته از منتقدان احتمال قوی وجود دارد کسانی که بیت کوئین را اختراع کرده اند، قصد خدعه داشته باشند! اگر چه الان مُحَرَر نشده است که خدعه ای در کار نیست، در آینده به راحتی ممکن است این پول دیجیتال بی اعتبار شود [۳۶].

همچنین، چنانچه مفهوم غرر را در ریسک بسیار بالا تعریف کنیم، باید گفت از آنجا که بنا بر عده ای از کارشناسان مطرح جهان ارزش بیت کوئین حبابی است و لذا احتمال اُفت شدید آن در آینده حتی به یک هزارم قیمت فعلی آن پیش بینی شده است، معامله بیت کوئین همراه با ریسک بسیار بالا خواهد بود و اقدام به خرید آن به جهت خطری (غرری) بودن، محل اشکال خواهد بود. البته، روشن است که این اشکال در صورت تثبیت نسبی قیمت بیت کوئین مرتفع می شود [۴۰]. به معنای دیگر، اگر بتوان با استفاده از ابزارها و روش های مدیریت ریسک، ثبات نسبی را برای این نوع آرزوها ایجاد کرد، می توان رُخداد غرر در این رمز آرزوها را از جنبه تحمیل ریسک بالا، منتفی دانست.

البته، شایان ذکر است الکترونیکی بودن رمز آرزوها چالشهایی از نوع امنیتی و حفاظتی مانند هک شدن، گم شدن، و سرقت حساب کاربر را به همراه دارد. افزون بر این، اگر دارنده بیت کوئین اطلاعات حساب و رمز عبور خود را فراموش کند، سرمایه او برای همیشه از بین خواهد رفت که این نکته مهم نیز در آرزوایی و کنترل ریسکهای رمزآرزوها حائز اهمیت است. در سوی مقابل، به عقیده موافقان بیت کوئین، غرری که موجب بطلان معامله است، به آن خطری اطلاق می شود که عَرَف از آن اجتناب کند؛ ولی چنانچه مقدار خطر به حدی نباشد که عَرَف ترتیب اثر دهد، چنین خطری غرر محسوب نمی شود. در معامله بین کوئین نیز تسلیم، صورت می گیرد، عوضین موجود و وصف آنها، کاملاً معلوم است، پس غرری، در آن راه اثبات نمی شود [۳۹]. به عبارت دیگر، از

نوع رفتار عقلاء نسبت به معامله چنین ارزی مشخص می شود که این نوع معامله، سلفی و یا غرری نیست.

ج- نبود پشتوانه

یکی دیگر از چالشهای مطرح برای رمزآرزهائی مانند بیت کوین، شبهه در داشتن پشتوانه است. منتقدان مدعی آن هستند که همه پولها در جهان مربوط به یک بانک مرکزی مشخص اند؛ مثلاً دلار مربوط به بانک مرکزی آمریکا و یورو مربوط به بانک مرکزی اروپاست. این در حالیست که هیچ دولت یا بانک مرکزی ای از بیت کوین پشتیبانی نمی کند و به اصطلاح این رمز ارز، پشتوانه رسمی ندارد و اگر از بین برود، کسی نمی تواند پاسخگو باشد [۴۴]. اما، اینکه در پاسخ گفته شود در پول فیزیکی است که ما نیاز به پشتوانه داریم و در ارز دیجیتال نیازی به پشتوانه نیست، مطلب فرق می کند چون این عبارت، بطلانش روشن است، زیرا پول هر گونه ای که باشد، یک طرف معامله، واقع می شود و حتماً باید پشتوانه داشته باشد. این در حالی است که بیت کوین پشتوانه و اعتباری ندارد. همچنین، آندر عوارض بی پشتوانه بودن بیت کوین گفته شده، ممکن است این رمزآرزه با این هدف طراحی شده باشد تا حجم زیادی از دارائیهایی خیلی از کشورها نظیر ما به آن تبدیل شود و انتقال ارز صورت بگیرد و بعد یک مرتبه اعلام شود که این رمزآرزه دیگر ارزش ندارد! در این شرایط قسمت زیادی از ثروت ملی ما از بین رفته و وابستگی ما به دیگران زیادتیر می شود [۴۶]. اما در آن سوی مقابل و در گروه موافقان، عده ای معتقدند که الان بیش از نیم قرن است که دیگر، پشتوانه فیزیکی برای پول وجود ندارد و میزان مقبولیت آنها دارای اهمیت است. به بیانی دیگر، امروزه موضوع پشتوانه ملموس پول دیگر چندان معنا و مفهومی ندارد، بلکه پشتوانه پول، میزان پذیرش، مقبولیت و رواج آن نزد مردم است. در این بین آنچه مهم است آن است که تولید کننده پول، بتواند مقبولیت و سازو کار لازم برای پذیرش عمومی آن را پیدا کند. این کار بسیار سخت و پیچیده ای است و کسانی که در تولید بیت کوین پیشگام بوده اند نتوانسته اند این مقبولیت را تا حدی ایجاد کنند. از این رو، می توان گفت همین موضوع که پذیرش و رواج آرزهائی مجازی در حال پیشتر شدن است، پشتوانه ای برای این نوع آرزهاست [۴۱].

د- ملاحظات از باب فقه حکومتی

فقه حکومتی که یکی از مباحث اصلی در حوزه فلسفه فقه است، نگرشی کل نگر و مبتنی بر دیدگاه حداکثری از دین است. فقه حکومتی به مثابه یک روش و رویکرد در مقابل فقه فرد محور

بشمار می رود و وصفی عام و حاکم بر تمام ابواب فقه است؛ بدین معنا که فقیه در مقام استنباط احکام شرعی، اجرای احکام در بستر نظام حکومت اسلامی را بعنوان نهاد اداره جامعه مدنظر قرار می دهد. در این نگاه، فقیه در مقام استنباط احکام شرعی، حکومت، اداره جامعه، و مصالح و مفاسد جامعه را لحاظ می کند و اجرای احکام در بستر نظام حکومتی اسلامی را بعنوان نهاد اداره جامعه مدنظر قرار می دهد. همچنین، این فقه نشان دهنده نقش فعال حاکمیت اسلامی در برخورد با همه معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است [۴۲].

از این جهت فقه حکومتی را می توان دانشی نامید که معارف مربوط به نظامهای اجتماعی یا آموزه های مورد نیاز برای اداره جامعه را از منابع و مستندات دینی استخراج می کند. لذا، از فقه حکومتی گاه به عنوان فقه نظامها یا فقه الاداره یاد می شود.

با تأملی دقیقتر، می توان دریافت که فارغ از مباحث فقه فردی، در فقه حکومتی نیز ملاحظات برای معامله و ترویج بیت کوین ذکر شده است. عده ای از کار شناسان با بیان این نکته مقدماتی که مالک بیت کوین ذکر شده است. عده ای از کار شناسان با بیان این نکته مقدماتی که مالک بیت کوینهای موجود شفاف و مشخص نیست و حتی ممکن است ۹۰ درصد کل بیت کوین های استخراج شده مال یک سازمان یا یک فرد خاص باشد که با آدرسهای مختلف، کیف پول برای خود درست کرده است، بنا بر قاعده نفی سبیل چنین نتیجه گرفته اند که پس ممکن است تقویت بیش از حد این نوع پول، به سرازیر شدن بخش مهمی از ثروت جامعه اسلامی به آن سازمان یا دولت صاحب آن بیت کوینها انجامیده و لذا مسلمانان از نظر اقتصادی آسیب جدی ببینند. بنابراین، به جهت نبود شفافیت از این ناحیه، نباید مسلمانان در جهت تقویت این نوع پول بین المللی اقدام کنند و جواز ورود به معامله با این نوع پول دیجیتال بطوری که اقتصاد کشور اسلامی به آن وابسته گردد، محل اشکال است؛ مگر آنکه بنحوی اقدام شود که نبض تجارت با بیت کوین در دست مسلمانان قرار گیرد [۴۰].

یکی دیگر از چالشهای پذیرش رمزآرزه به ورود این آرزه به دنیای حقیقی برمی گردد. در این معنا، تغییر حجم پول با تزریق رمزآرزه به نظام پولی کشورها و عدم کنترل روی این آرزه ها، چالشی در پذیرش مشروعیت کاربرد این آرزه است.

از آنجا که ورود بی رویه پول مجازی بدون نظارت حاکمیتها ممکن است موجب تضییع حقوق آحاد جامعه و ثروتهای ملی شود، به استناد قاعده فقهی لاضرر می توان تولید و جریان این پول ها را در اقتصار واقعی مورد خدشه قرار داد. همچنین بر اساس قاعده

احترام و حرمت تضييع اموال مسلمين، ورود بدون نظارت اين پولها در اقتصاد واقعي، موجب تغيير ضرري در حجم پول و ثروتهای اقتصاد واقعي است. در اين ميان، چنانچه سياست گذار پولی با عدم رعايت مصلحت جامعه اسلامی موجب کاهش ارزش ثروت و تضييع حقوق عامه گردد، مطابق قاعده اتلاف، ضامن است. بنا بر اين به استناد أدله ای مانند قاعده لا ضرر، قاعده احترام، قاعده اتلاف، و قاعده مصلحت که همگی ناهي سياست های غلط پولی و تغيير ضرري در حجم پول هستند، به مرور قواعد انضباط بخشی از طرف حاکميت برای کنترل رمز ارزها در اقتصاد واقعي ترتيب داده شود. مورد ديگر در باب ابعاد فقه حکومتی استخراج و استفاده از بيت کوثين و ساير رمز ارزها به مباحثی همچون پولشویی، فرار مالیاتی، جرایم امنیتی و ... بر می گردد. با توجه به خلأ وجود حاکميت قانونی خاص بر قلمرو بيت کوثين، اين احتمال می رود که افراد سوء استفاده کننده با استفاده از اين نوع رمز ارزها به پولشویی، فرار مالیاتی و ساير جرائم امنیتی اقدام کنند و زمینه ضرر رسانی به جامعه اسلامی را موجب شوند. ريشه اين موضوع در عدم امکان تطابق مشخصات کاربری مالکان اين ارزها با هویت حقیقی آنهاست. در واقع، صاحبان اين وجوه نه بی نام که گمنام اند و از اين رو زمینه ارتکاب تخلفات و جرائم برای آنها ساده تر است [۴]. از اين رو، نیاز است حاکميت اسلامی نسبت به اين نوع ارزها از حيث مسئوليت اجتماعی و حاکمیتی، حساس باشد.

ه- اکل مال به باطل

منظور از اکل مال به باطل، تملک و تصرف اموال ديگران به ناحق است. روشن شد که «باطل» محدود و منحصر به موارد خاص نیست، بلکه مفهوم و سيع و عامی دارد و هر گونه تجاوز به حقوق و تصرف در اموال ديگران، اموال عمومی و انفال و حتی تصرفات ناروا و غير مشروع در اموال خویش و نیز کارهایی از قبیل ربا، رشوه، قمار، ظلم و ستم، غصب و ... را در بر می گیرد. با نگاهی به متون فقهی، در می یابیم که در برخی معاملات از باب اکل مال به باطل، حکم به حرمت و بطلان معامله شده است. برخی از اين موارد عبارت است از مواردی که موضوع معامله مالیت ندارد؛ مواردی که موضوع معامله منفعت حلیت ندارد؛ مواردی که معامله موجب تضييع حقوق ديگران می شود؛ مواردی که معامله با ضرر و زیان فاحش همراه است؛ مواردی که فساد و فحشاء؛ موارد لغو و لهو؛ مواردی که مال از راه تضعیف نظام اسلامی بدست می آید و ... [۴۳]. با اين تعاریف، عده ای از مُتقدان استخراج و معامله بيت کوثين را مصداق اکل مال به باطل دانسته اند. در پاسخ، کارشناسان اذعان می کنند که اولاً در

بيت کوثين، هر اکتسابی به ازای عملیات حسابداری بدست می آید، پس اکل مال به باطل در بيت کوثين جريان ندارد. همچنین، اگر مالکيت بيت کوثين را اثبات شده بدانیم، پس خرید و فروش هم اکل مال به باطل نخواهد بود و تحت عنوان بيع قرار می گیرد [۳۹]. توضیحات مربوط به ساير موارد فوق در بخشهای قبلی ارائه شده است که از پرداختن مجدد به آن اجتناب می شود. اما، یکی ديگر از مسيرهای رُخداد اکل مال به باطل از ناحیه تحقق قمار طرح می شود [۴۳]. در موضوع مورد بحث، شاید شبهه شود که چون استخراج بيت کوثين به خاطر رسیدن به جایزه ای است که به اولین حل کننده معادله ریاضی مربوط به بلوکهای بيت کوثين برای ثبت آن در زنجیره بلوکی داده می شود، چیزی شبیه به قمار رُخ داده و از اين حيث محل ایراد می شود. در پاسخ به اين شبهه باید گفت در استخراج بيت کوثين نقش برنامه نرم افزاری پُررنگ است و پولی که بعنوان جایزه در اختیار استخراج کننده قرار می گیرد، پیش از آن، ملک بالفعل هیچ کسی نبوده بلکه هم زمان چنین پولی تولید می شود. لذا، اینجا به ظاهر استخراج بيت کوثين داخل در مفهوم قمار نخواهد بود. در هر صورت، پولی که از طریق برنامه بيت کوثين به حساب وی واریز می شود، به جهت صدق عنوان حیات بر آن ملک شخصی استخراج کننده بوده و تصرف در آن جایز است، چون فرض اين است که اين مال قبلاً صاحبی نداشته تا به صاحبش برگردانند [۴۰].

راهکارهای پیشنهادی

شرایط سخت و ظالمانه ای که در طول سالیان اخیر ناشی از تحمیل تحریمهای بین المللی بر کشور ایران و مردم ساکن در آن از سوی دشمنان نظام حاکم بر اين مرز و بوم سایه انداخته لزوم اهتمام و اتخاذ سیاستهای موسوم به دور زدن اين تحریمها را اجتناب ناپذیر ساخته است. استفاده از فن آوریهای نوین و پلتفرمهای مبتنی بر آن که همگی مرتبط با امکان تبادلات مالی متأثر از اتصال به شبکه ارز دیجیتال می باشد، از جمله ابزارهایی است که از آن برای دور زدن از تحریمها و خروج از عسر و حرج استفاده کرد تا با اتخاذ چنین روشهایی نوپیدی مصالح مسلمین که منظور همان مردم کشورمان باشند بیشتر و بهتر تأمین شده و از مشکلات آنها که با انزوای تجاری کشور حاصل می شود، کاسته گردد لذا پیشنهاد می شود با مبنا قراردادن قواعد فقهی که امکان مشروعیت بخشی به جواز استفاده از رمز ارزها را مباح جلوه گر می سازد با تعریف ضوابط رسمی و تعریف شده برای رمز ارزها، امکان رسمیت بخشی به آنها را برای بکارگیری بعنوان یک شیوه نوین پرداختی در قراردادهای مبتنی بر مناسبات دیجیتالی به رسمیت شناخت.

نتیجه گیری

رمز ارزها یکی از تحولات اصلی عرصه پولی و مالی بین المللی در یک دهه گذشته محسوب می شوند. رمز ارزها، مزایا و معایب مختلفی را با خود به همراه داشته اند از جمله مشکلات آنها می توان به مشکلات امنیتی اشاره کرد که خلق بی رویه، گم شدن، هک شدن حساب کاربر و سرقت و همچنین وسیله قرار گرفتن برای پولشویی و فرارهای مالیاتی از جمله آنها می باشند. عدم شناسایی هویت در انتقال و معاملات مبتنی بر رمز ارزها و این که صاحبان آن چه اشخاصی می باشند، خود یکی دیگر از معایب رمز ارزهاست. در کنار این معایب، رمز ارزها، منافع به مانند تسریع در روند انتقال و معاملات بین المللی، آسان کردن مبادلات پولی مبتنی بر آنها، افزایش نقش بنگاه های اقتصادی غیر دولتی در روند تجارت و اقتصاد بین المللی و ... راه به همراه داشته اند. مشروعیت رمز ارزها بر طبق دو شاخه فقه فردی و حکومتی قابل تمیز است. از منظر فقه فردی، رمز ارزها یک نوع مال بوده، معاملات آنها ربوی و غرری نیست و بنابراین، در صورتی که مبنای معاملاتی رمز ارزها از منظر شرعی جایز باشد، مبادله رمز ارزها از منظر شرعی صحیح و حلال است. اما در صورتی که مبنای معاملاتی رمز ارزها مشروعیت نداشته باشد، معامله آنها باطل و حرام است. اما از منظر فقه حکومتی، و وضعیت مبادلاتی رمز ارزها متفاوت است. به استناد ادله ای مانند قاعده لاضرر، قاعده احترام و قاعده حفظ نظام و عدالت که همگی مانع از اجرای سیاستهای نادرست پولی و افزایش بی رویه حجم پول در نظام اقتصاد اسلامی می شوند تا زمانی که از طرف حاکمیت، نظم حقوقی برای کنترل رمز ارزها در اقتصاد واقعی کشور ترتیب داده نشده از ورود و انجام معامله در زمینه رمز ارزها جلوگیری می گردد. تسهیل جرائم، افزایش یا کاهش بی رویه حجم مبادلات پولی و خروج ارز، از جمله مسائل بازر و مطرح در فقه حکومتی است که مانع از فاقد اشکال شرعی دانستن معاملات رمز ارزها می باشد، اگرچه با قانونگذاری دقیق می توان راه برون رفت از شرایط تحریم اقتصادی را پیدا کرد. آن طور که مشخص است، نتیجه گیری نهائی و متقن در داشتن یا نداشتن مشروعیت فقهی در خصوص رمز ارزهایی همچون بیت کوین نیازمند کار اجتهادی و بررسی کامل ابعاد آن از دو زاویه فقه فردی و فقه حکومتی است؛ بررسی که هنوز به سرانجام نرسیده است و در این مقطع زمانی نمی توان نظر قطعی و واحد را صادر کرد. اما، آنچه در اینجا می توان گفت این حقیقت است که علت اصلی اختلاف در پذیرش مشروعیت رمز ارزها بین کارشناسان فقه اقتصادی اسلام، ریشه در ابهاماتی در خصوص

پشتوانه و نهاد اعتباردهنده رمز ارزها و همچنین مسائل امنیتی آن در حفاظت از حقوق آحاد جامعه اسلامی دارد. از این رو، انتظار آن است که با توسعه کمی و کیفی پژوهشها و بررسیهای فنی و فقهی، ابهامات موجود رفع شود و رمز ارزها بتوانند همسو با سایر ارزهای رایج در اقتصاد کشور، مشروعیت کامل را از حیث استخراج، معامله و ذخیره سازی، کسب کنند.

تشکر و قدردانی

در این تحقیقاتی در پی آن بوده و هستیم که از نگاه مشروعیت سنجی فقهی حقوقی، به مقوله جواز رمز ارزها که در حال جا باز کردن بعنوان یک شیوه نوین پرداخت قراردادی در مناسبات دیجیتال است، ورود کرده باشیم. در این میان با توجه به فراوانی و مجازی بودن این پدیده نوظهور، واکاوی چالشهای آن و اعمال نظاماتی تعریف شده که بتواند ضامن مصالح عمومی گردد بنظر اجتناب ناپذیر باشد لذا جا دارد از کلیه پژوهشگرانی که در این وادی تاکنون دست به تحقیق و بررسی زده اند و این مقاله بر پایه استناد به تألیفات آنها مورد جمع بندی قرار گرفته است، تقدیر و تشکر گردد. همچنین از مجله حاضر نیز که با قبول این مقاله باب انتشار این تحقیق را فراهم ساخته است قدردانی گردد.

منابع و مأخذ

- [۱] اخوان، پ. (۱۳۹۶). ارز های دیجیتال، بیت کوین، بلاک چین و مفاهیم پایه، تهران، آتی نگر.
- [۲] فتح الهی، ح.، عزمی، ر. (۱۳۹۶). «ارایه یک مکانیزم پرداخت امن مبتنی بر پول دیجیتال»، در: هفتمین همایش سالانه بانک دارای الکترونیک و نظام های پرداخت، بی جا، بی نا.
- [۳] آذر نیوار، م. (۱۳۹۷) «بیت کوین چگونه کار می کند و تراکنش های آن چگونه انجام می شوند؟» بازایی شده در ۱۳۹۷/۱۲/۲۵، از <http://www.bazarkhabar.ir/News.aspx?ID=135189>
- [۴] هافمن، ن. ۱۳۹۷، بیت کوین به زبان ساده، ترجمه مصطفی دهقان، رشت، داریا.
- [۵] Crofton, Isaak, (2015), Crypto Anarchy, Lulu.com.
- [۶] بجستانی، م. روحانی مقدم، م. (۱۳۸۷). «بررسی ایجاب و قبول در معاملات الکترونیک». فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، پاییز، شماره ۱۳.
- [۷] انصاری، م. (۱۴۱۵ ق). کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۸] کاظمی تستری، ا. بی تا، مقایس الانوار و نغائس الاسرار، قم، موسسه آل البيت (ع)

- [۹] اردبیلی، ا. (۱۴۰۳ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۰] نائینی، م. (۱۳۷۳). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، تهران، مکتبه المحمدیه.
- [۱۱] فیروز آبادی، م. (۱۴۱۵ ق). القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۱۲] ابن منظور، م. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، ج سوم، بیروت، دار صادر.
- [۱۳] خویی، س. بی تا، مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، بی جا، بی تا.
- [۱۴] موسوی خمینی، س. (۱۴۲۱ ق)، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- [۱۵] رهبر، ف و همکاران. (۱۳۸۲). «تعاریف، مفاهیم، آثار و پیامدهای پول شویی»، مجلس و راهبرد، ش ۳۷، ص ۱۶-۵۷.
- [۱۶] پورمحمد، پ. (۱۳۷۹). «بیت کوین را فراموش کنید! چرا مجرمین برای پول شویی از فورتایت استفاده می کنند؟»، بازیابی شده از: <https://www.zoomit.ir/2019/1/24/312050>
- [۱۷] فاضل م. (۱۴۲۵ ق). کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، مرتضوی.
- [۱۸] مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰). استفتائات جدید: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب. سؤال ۷۲۴، قم، چاپ دوم.
- [۱۹] جوهری، ا. (۱۳۷۶ ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- [۲۰] مطرزی، ن. (۱۳۹۷). المغرب فی ترتیب المغرب، حلب، اسامه بن زید.
- [۲۱] فراهیدی، خ. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین، ج دوم، قم، هجرت.
- [۲۲] راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- [۲۳] فیومی، ا. (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج دوم، قم، دارالهجره.
- [۲۴] زمخشری، م. (۱۹۷۹). أساس البلاغة، بیروت، دارصادر.
- [۲۵] باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۳۹۶). «اعلام موضع رسمی بانک مرکزی درباره ارزهای دیجیتال / ریسک سرمایه گذاری در ارزهای دیجیتال بالا است»، باز یابی شده در ۱۳۹۷/۱۲/۲۷، از: <https://www.yjc.ir/fa/news/6385147>
- [۲۶] سلیمانی پور، م. (۱۳۹۶). «بررسی فقهی پول مجازی»، تحقیقات مالی اسلامی، ش ۲، ص ۱۶۷-۱۹۲.
- [۲۷] نواب پور، ع. (۱۳۹۷). «تحلیل فقهی کارکردهای پول تسهیل مهار تورم های رمزنگاری شده (مورد مطالعه بیت کوین)»، اقتصاد اسلامی، ش ۷۲، ص ۲۱۳-۲۴۳.
- [۲۸] مشکینی، م. بی تا، مصطلحات الفقه، بی جا، بی تا.
- [۲۹] خراسانی، م. (۱۴۰۹ ق). کفایة الاصول، قم، موسسه آل البيت (ع)
- [۳۰] رضایی راد، عبدالحسین. (۱۳۸۹). «گسترده کارآمدی قاعده فقهی لاضرر». فصلنامه حقوق اسلامی، زمستان، سال هفتم، شماره ۲۵.
- [۳۱] اصفهانی، م. (۱۴۱۸). حاشیه کتاب المکاسب. تحقیق عباس محمدآل سیاح القطیفی: محقق، قم.
- [۳۲] ایروانی، ع. (بی تا). حاشیه کتاب المکاسب. بی جا.
- [۳۳] اصفهانی، م (۱۴۰۹). الاجاره: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- [۳۴] ابهری، ح و ایزدی فرد، ع. (۱۳۸۹). «ضمان غاصب نسبت به منافع در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران». مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، پاییز و زمستان، شماره دوم، سال چهل و سوم.
- [۳۵] جمال زاده، ن. (۱۳۸۷). «عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه شناختی». فصلنامه دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- [۳۶] معصومی نیا، غ. ع. (۱۳۹۸). پول های مجازی در ترازوی شرع. خبرگزاری ایکن، شناسه ۲۸۳۴۰۲۴.
- [۳۷] موسویان، س. ع. (۱۳۹۷). معاملات پول مجازی از نوع غرری است و اشکال شرعی دارد. پورتال بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی، شناسه ۲۹۳۶۱۰۱.
- [۳۸] فاضل، م. ج. (۱۳۹۷). گزارش نشست «بیت کوین یا پول های مجازی». پایگاه مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- [۳۹] خوش اخلاق، م. (۱۳۹۷). پول مجازی از دیدگاه فقه حکومتی. پایگاه تخصصی فقه حکومتی و سائل، شناسه ۱۲۷۲۲.
- [۴۰] ترابی، م. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه پول دیجیتال بیت کوین در نظام پولی و احکام فقهی آن. هفته نامه افق حوزه، نشریه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ارگان رسمی مرکز مدیریت حوزه های علمیه، شناسه ۴۰۵۵۴۸.
- [۴۱] محقق نیا، م. ج. (۱۳۹۸). پشنتوانه ارزهای مجازی میزان مقبولیت آنهاست. پورتال بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی، شناسه ۳۰۴۳۹۹.
- [۴۲] ذوالفقاری، م.، و سیدیان، س. م. (۱۳۹۱). فقه حکومتی؛ چیست، چرایی، چگونگی. دو فصلنامه معرفت سیاسی، ۴(۷).
- [۴۳] اسماعیلی، ا. (۱۳۷۳). اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری و محله فقه، ۱(۱).
- [۴۴] نظری، ح. (۱۳۹۷). اشکال شرعی معامله «بیت کوین» چیست؟ پورتال بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی، شناسه ۲۹۳۶۱۳.

معرفی نویسندگان

AUTHOR(S) BIOSKETCHES



مهدی بابائی دانشجوی دوره دکترا در رشته حقوق خصوصی است که مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا می باشد. نامبرده علاقمند به تحقیق در حوزه حقوق فناوری از منظر فقهی و حقوقی، آن هم از زوایای گرایش حقوق

خصوصی است. هدفگذاری او ورود جامعه حقوقی به تحلیل مبنائی ساختارهای نوپدید در این عرصه می باشد تا در سایه آن، خلاءهای مرتبط با قاعده گذاری تقنینی که خود را در قالب ضرورت‌های وضع قانون و مقررات و تنظیم نظامات، پدیدار می سازد، همراه با پیش بینی ساز و برگ حل اختلافات آن برای آئین سازی حل و فصل در کنارپیشگیری از پدیدار شدن منازعات، پیشنهاد شود. ایمیل: mbabaeii54@gmail.com



محمد هادی زا هدی دکترای خود را در رشته مهندسی نرم افزار از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت کرده است و هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی می باشد. نامبرده مقالات زیادی را در کنفرانس ها و مجلات داخلی و بین المللی منتشر کرده است. علایق تحقیقاتی ایشان مهندسی نرم افزار، هوش مصنوعی و همچنین مباحثی جدیدی از جمله ارز دیجیتال و متاورس می باشد. ایمیل: zahedi@kntu.ac.ir



الهام فراهانی دکترای خود را در رشته مهندسی نرم افزار از دانشگاه صنعتی شریف دریافت کرده است و هم اکنون مدرس دانشگاه صنعتی شریف می باشد. نامبرده مقالات زیادی را در کنفرانس ها و مجلات داخلی و بین المللی منتشر کرده است. علایق تحقیقاتی ایشان متدولوژی های تولید نرم افزار، خط تولید نرم افزار، مدیریت ریسک و معماری نرم افزار و همچنین مباحثی جدیدی از جمله ارز دیجیتال و متاورس می باشد. ایمیل: efarahani@ce.sharif.edu